

سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در اژدهای فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)

یعقوب احمدی*، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور سنندج

بیبا حامد، مربی، گروه جامعه‌شناسی جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه

چکیده

تحولات فنی و جمعیتی قرن نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم، سبب گردیده که نسل جوان کنونی به سادگی گذشته، حاضر به پذیرش نقشهای اقتدارگرای گروههای اجتماعی و والدین و همچنین ارزشها، الگوها و قواعد رفتاری آنها نشود. حاصل این فرایند بروز نوعی تفاوت ارزشی، هنجاری و... بین نسل‌هاست که با تعابیری مختلفی از تفاوت و فاصله نسلی تا گسست و شکاف نسلی مورد خطاب قرار گرفته است. نوشتار حاضر نیز در پی واکاوی وضعیت رابطه نسلی در شهر کرمانشاه برآمده است. به عبارتی هدف نوشتار حاضر سنجش وضعیت تفاوت میان نسل‌ها در ابعاد مختلف است. این نوشتار از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی، از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی، مقطعی است (نیمه دوم ۱۳۸۸). جامعه آماری پژوهش شهروندان ۱۸-۲۹ و ۴۰ سال به بالای مناطق ۳ گانه شهر کرمانشاه بوده، حجم نمونه مقتضی بر اساس فرمول کوکران ۳۶۰ نفر تعیین شده است، البته این میزان با توجه به بررسی دو نسل در ۲ ضرب شده و نمونه نهایی ۷۲۰ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام پذیرفته است. یافته‌ها نشان از آن دارند که تفاوت دو نسل در مقوله‌های نوگرایی، مادینگرایی/فرامادینگرایی، نگرش به زنان و خانواده معنی دار بوده و این نسل جوان است که در هر چهار مقوله رتبه بالاتری کسب کرده است. در رابطه با پیوستار نسلی در زمینه دینداری می‌توان تفاوت‌های مکشوف میان نسل‌ها را با عبارت "فاصله نسلی" بیان داشت. اگرچه در پاره‌ای از ابعاد مانند بعد مناسکی می‌توان تاحدودی قائل به "شکاف نسلی" بود. در باب تفاوت در نوگرایی، مادینگرایی/فرامادینگرایی، نگرش به زنان و خانواده نیز بهترین مفهومی که توان تبیین وضعیت را دارد همان مفهوم "فاصله نسلی" است.

واژه‌های کلیدی: مذهب، جوان، فاصله نسلی، شکاف نسلی، ارزش‌های فرامادی

مقدمه

جامعه در حال گذار ایرانی از گزند شکاف‌های مختلف و متنوعی که دامنگیر این گونه جوامع است، مصون نبوده و نیست. در یک تأمل آسیب‌شناختی، علل و عوامل بسیاری در ظهور، بروز، تداوم و تحوّل این شکاف‌ها نقش بازی می‌کنند. شرایط امروز جامعه ایرانی، تا حدودی مصداق این گفته گرامشی است که «جدید» هم امکان تولّد ندارد. در این شرایط پیچیده و کدر، «قدیم» در حال احتضار است؛ اما نمرده و بستر برای رویش و پیدایش بسیاری از جریانات فکری بی‌اصالت و ناهنجار فراهم می‌شود. سرگشتگی گفتمانی و گمگشتگی هویتی، از نتایج مستقیم چنین شرایطی هستند. افزون بر این، در این شرایط، به علت افول و فروپاشی شأن و منزلت گروه‌های مرجع سنتی در ذهن و روان نسل جدید، گروه‌های مرجع جدید و متنوعی پا به عرصه گذاشته و هر کدام با ارائه کالاهای فرهنگی و گفتمانی خود تلاش می‌کنند که این نسل را به سوی خود جلب و جذب نمایند. با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و توسعه استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نظیر اینترنت و ماهواره بویژه توسط جوانان در دهه‌های اخیر، نظام اجتماعی دچار چالش‌های جدی در روابط میان نسل‌ها شده است و زمینه مساعدی برای تفاوت و به اعتقاد برخی صاحب‌نظران تعارض در نظام ارزش‌های جوانان با بزرگسالان به وجود آمده است، به گونه‌ای که روابط میان نسل‌ها تحت تاثیر شرایط اجتماعی - فرهنگی جدید قرار گرفته و در آن دگرگونی‌هایی پدید آمده است.

تحولات فنی و جمعیتی که در طی قرن نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم، دنیا را درنوردید، از جمله

تسریع در روند صنعتی شدن کشورها و به تبع آن گسترش هر چه بیشتر شهرها، افزایش مهاجرت‌های روستا به شهر، انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی و سرانجام جریان توسعه و نوسازی کشورهای جهان سوم، آثار و پیامدهای مختلف فرهنگی و اجتماعی را در برداشته است. این عوامل و عوامل دیگری مانند تفاوت در ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها، انتظارات و زمینه‌های اولیه اجتماعی شدن والدین و فرزندان باعث گردیده که نسل جوان کنونی به سادگی گذشته، حاضر به پذیرش نقش‌های اقتدارگرای گروه‌های اجتماعی و والدین و همچنین ارزش‌ها، الگوها و قواعد رفتاری آنها نشود. حاصل این فرایندها بروز نوعی تفاوت ارزشی، هنجاری و رفتاری بین نسل جوان و نسل‌های قدیمی‌تر آنهاست که به وسیله صاحب‌نظران با تعبیری مختلفی از تفاوت و فاصله نسلی^۱ تا گسست و شکاف نسلی^۲ مورد خطاب قرار گرفته است. این نوع رابطه میان نسلی با هر عنوانی که خطاب شود، به معنای اختلاف فکری، ارزشی، سلیقه‌ای و رفتاری است که بین نسل‌های جوان از یک سو و نسل‌های بزرگتر از دیگر سو پدیدار گردیده است. این پدیده گرچه ابتدا از جوامع صنعتی برخاست، اما به موازات رشد فزاینده فناوری‌های ارتباطی و مبادلات فرهنگی بین‌المللی به سایر جوامع نیز سرایت کرده است، به گونه‌ای که نسل‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی این جوامع، در حال تجربه این پدیده هستند.

در مورد عوامل مؤثر بر بروز و ظهور فاصله یا شکاف نسلی اندیشه‌ها و نظریات مختلفی ارائه شده است. برخی

1- Generation Gap

2- Generation Cleavages

است، شناسایی و تدقیق وضعیت روابط میان نسل‌ها در شهر کرمانشاه (از همپوشی تا شکاف) بوده است.

تعریف مفاهیم

نسل^۲

نسل از نقطه نظر زیست‌شناختی و شجره‌شناختی، معنای صریحی دارد و بر خلفیت منظم یک رسته هم‌دوره از یک نیای مشترک اطلاق می‌شود (ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۸). فرهنگ وبستر نیز نسل را عبارت از میانگین فاصله سنی بین تولد والدین و فرزندان، تعریف می‌کند (Webster, 1987: 510).

فاصله نسلی

فاصله نسلی، معمولاً به تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و فرزندان اطلاق می‌شود؛ به بیان دیگر، فاصله نسلی، به اختلافات مهم بین دو نسل در تجارب، ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی به اختلاف و جدایی فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. فرهنگ آکسفورد، فاصله نسلی را اینگونه تعریف می‌کند: «اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن» (پناهی، ۱۳۸۳: ۴).

شکاف نسلی

شکاف نسلی، یک موقعیت بسیار استثنایی و ویژه است. با وجود این که نوعی وضعیت خاص استقرار نسل‌ها می‌باشد؛ اما احتمالاً موقعیتی بحرانی هم به لحاظ تجربی و هم به لحاظ نظری است. در چنین وضعیتی، دو نسل از یکدیگر منفک و جدا می‌شوند، بین آنها شکافی

از تحلیل‌گران مسائل اجتماعی، توسعه فرهنگی را عامل ظهور فاصله نسل‌ها می‌دانند، در حالی که عده‌ای دیگر ریشه‌های آن را در توسعه اقتصادی جستجو می‌کنند. یکی از فرضیه‌های مهم در پیدایش این پدیده، مبتنی بر فرایند نوسازی اجتماعی^۱ است. بر اساس فرضیه‌ای دیگر ریشه‌های اختلاف نسلی را می‌توان در مسائل آموزشی و تحصیلی جستجو کرد و دیگران نیز عوامل بسیار متنوعی در خصوص نحوه شکل‌گیری تفاوت‌های نسلی ذکر کرده‌اند.

به هر روی، علت و عوامل هر چه که باشند، باید عنوان نمود که اختلافات نسلی به عنوان پدیده‌ای فرهنگی که عمدتاً دامنگیر نسل جوان است؛ در صورت عدم شناخت صحیح زوایا، میزان و ابعاد آن از حالت رابطه و اختلاف به شکاف، کشمکش و انقطاع نسلی تبدیل شده و با تضعیف کانون خانواده به عنوان عامل پیوند دهنده فرانسلی در کنار سایر عوامل می‌تواند بیش از پیش زمینه ساز بسیاری از تعارضات و تضادهای ارزشی و هنجاری گردد که در آن صورت، تهدیدی جدی علیه نظم و وفاق اجتماعی خواهد بود.

در این بین شهر کرمانشاه نیز به دلیل بافت متفاوت قومی و فرهنگی نسبت به سایر مناطق ایران و هم به سبب وجود آمار بالای جوانان و همچنین به سبب پدید آمدن نسلی با هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات متفاوت از گذشتگان چنین می‌نمایند که مسأله روابط میان نسلی به عنوان دغدغه‌ای مهم ذهن اکثر برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی این ناحیه را به خود مشغول داشته باشد و بر این اساس است که مسأله اساسی که این پژوهش در پی پاسخ به آن

- در میان گروه‌های بزرگتر، شمار مادیون به فرامادیون کاهش می‌یابد (همان: ۸۵).

- نتایج تحلیل حاکی از این است که جایگزینی جمعیت بطور کاملاً مشخص بر دگرگونی ارزشها تأثیر می‌گذارد.

- تحولات ارزشی بیشتر بازتاب دگرگونی نسلهاست تا انعکاس آثار سالخوردگی.

- فرامادیون از لحاظ تحصیلات و وجهه شغلی به احتمال بسیار بیشتر بالاتر از مادیون قرار می‌گیرند.

- علی‌رغم بی‌توجهی به دین، فرامادیون بیش از مادیون درباره‌ی معنی و هدف زندگی می‌اندیشند.

۲- «جایگاه سنت و مدرنیته در نظام ارزشی جوانان و بزرگسالان شهر تهران» عنوان پایان‌نامه دکتری زهرا داریاپور است که در آن، محقق درصدد پی بردن به این مطلب است که اولاً ساختار ارزشی ساکنان شهر تهران، بیشتر از سنخ ارزشهای سنتی است یا مدرن و دوم اینکه آیا میان ساختار ارزشی جوانان و بزرگسالان تفاوتی وجود دارد یا نه و در نهایت اینکه چه عواملی بر ساختار ارزشی افراد تأثیر دارند. در این پژوهش شهروندان گروه‌های سنی ۱۸ تا ۳۰ سال را جامعه آماری جوانان و افراد ۳۰ سال و بالاتر را جامعه آماری بزرگسالان تشکیل می‌دهند. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است که در جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه ساختمند استفاده گردیده است. چارچوب غالب تئوریک در این رساله مشتمل بر ترکیبی از نظریه ساختار ارزشی شوارتز^۲ و رویکرد توسعه انسانی است که بر یک نمونه ۳۶۵ نفری از میان خانوارهای ساکن شهر تهران به اجرا درآمده است.

اساسی اتفاق می‌افتد و پیوستگی در رابطه آنها بسیار کم می‌شود. در این وضعیت، گسست نسلی محصول همین بی‌ارتباطی خواهد بود (ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۳).

پیشینه تحقیق

۱- تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، عنوان کتابی است که به وسیله رونالد اینگلهارت به رشته تحریر درآمده است. این اثر حاصل تقریباً دو دهه پیمایشهای^۱ ملی-مقطعی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۸ و نیز هزاران مصاحبه و پرسشنامه است که داده‌هایی از تعدادی از کشورهای اروپایی، امریکایی، آسیایی و آفریقای جنوبی جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل‌های دقیق آماری قرار گرفته است. در این اثر پژوهشی، ماهیت دگرگونی فرهنگی در جوامع فلسفی، علتها و پیامدهای آن بر اساس طیف وسیعی از داده‌ها و تحلیل‌های علمی بررسی می‌شود. این اثر حاوی یافته‌های فراوان و در عین حال ارزشمندی است که اینگلهارت تئوری «فرامادیگری» خود را بر اساس آنها بنیان گذاشته است. در اینجا تنها به چند مورد از مطالب آن بر اساس سنخیت بیشتر آنها با موضوع تحقیق اشاره می‌شود:

- خیزش فرامادیگرایی که جنبه‌ای از فرایند گسترده دگرگونی فرهنگی می‌باشد به گرایشهای مذهبی، نقشهای جنسیتی، هنجارهای جنسی و فرهنگی جوامع صنعتی شکل نوینی بخشیده است (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۷۳).

- اولویتهای ارزشی در غرب از تأکید بر ارزشهای مادی به تأکید بر ارزشهای فرامادی تحول می‌یابد

مسیرهای غیرمشروع؛ از جمله باورهای جدید زندگی اجتماعی نسل امروزی است (اسماعیلی ۱۳۸۰: ۱۰۷). بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه نسل‌های مختلف در ۴۴/۷ درصد از متغیرهای مورد بررسی با یکدیگر اختلاف نظر دارند» (همان: ۱۰۹).

۴- «شکاف نسلی در ایران» عنوان پژوهش دیگری است که توسط تقی آزاد ارمکی انجام پذیرفته و نتایج آن در نامه انجمن جامعه شناسی ایران منتشر گردیده است. این تحقیق با حجم نمونه ۳۸۲ نفری با شیوه مصاحبه حضوری صورت گرفته و اطلاعات پس از گردآوری از طریق پرسشنامه و مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، ۷۰٪ پاسخگویان، زندگی فرزندان متأهل با والدین را زمینه ساز ایجاد مشکلات می‌دانند که این خود نشانه‌ای از تفاوت نسلی است. اختلاف سلیقه و تفاوت در نحوه گذارندن اوقات فراغت نیز به نوعی فاصله بین نسلها را نشان می‌دهد.

محقق معتقد است با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار می‌توان گفت: جامعه ایران با تفاوت نسلی روبه‌رو شده است، اما این تفاوت به گونه‌ای نیست که این نسلها را در مقابل یکدیگر قرار دهد. اهمیت خانواده و آئین‌های اجتماعی موجود در آن، آداب و سنن و هنجارها و نظام ارزشی خانواده و همچنین نیاز مالی فرزندان به والدین و نیاز عاطفی و حمایتی والدین به فرزندان به عنوان مکانیزم‌های فرانسلی و از تبدیل تفاوت‌های نسلی به رویارویی‌ها و تعارضهای نسلی جلوگیری نموده است (ارمکی، ۱۳۸۰: ۶۹).

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در مجموع ۵۱/۶ درصد پاسخگویان دارای نظام ارزشی سنتی بوده‌اند. ۲۱/۲ درصد در میانه طیف ارزشهای سنتی - مدرن قرار داشته و در مجموع ۲۰ درصد پاسخگویان دارای نظام ارزشی مدرن بوده‌اند. بررسی رابطه متغیرهای مستقل و وابسته نشانگر آن است که زنان و افراد بزرگسال، متأهلین و افراد مذهبی نسبت به سایرین دارای نظام ارزشی سنتی تری هستند. میان ارزشها با خاستگاه خانوادگی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات رابطه‌ای به دست نیامد و مدت سکونت در تهران، تعداد فرزندان و دسترسی به رسانه‌ها در دارا بودن ارزشهای مدرن تأثیر دارند (داریاپور، ۱۳۸۱).

۳- «فرهنگ و فاصله نسلی در شهر اصفهان» عنوان پژوهشی است که در سال ۱۳۷۸ توسط فتحیان صفایی نژاد در شهر اصفهان انجام شده است، جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کلیه افراد ۱۶ ساله و بالاتر ساکن در شهر اصفهان و حجم نمونه ۴۶۱ نفر بوده است. داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه ۱۴۷ سؤالی گردآوری شده‌اند. در این تحقیق جنبه‌های مختلف فرهنگ؛ از جمله مسائل مربوط به ازدواج، خانواده، استفاده از رسانه‌ها، روابط اجتماعی، گذراندن اوقات فراغت، رضایت اجتماعی، نگرشهای جنسیتی، عقاید و باورها و ارزشهای اجتماعی در ارتباط با سه گروه سنی ۱۶ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۴۵ سال و ۴۶ سال و بالاتر ورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در یک جمع بندی می‌توان چنین گفت:

«نظام باورهای نسلهای مختلف در برخی از جنبه‌ها در حال جابه‌جایی است، افزایش سهم نظام ارزش مادی، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، تأکید بر عوامل موفقیت از

۵- "شکاف بین نسل‌ها؛ بررسی نظر و تجربی" عنوان مطالعه‌ای است که توسط نریمان یوسفی در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ در شهر اصفهان انجام پذیرفته است. روش تحقیق آن پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه بوده است. حجم نمونه تعداد ۳۳۶ جفت پدر و فرزند بوده است و پرسشنامه‌ها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تکمیل گردیده است.

تحقیق فوق در حالت کلی در پی پاسخ به دو سوال اصلی بوده است:

(۱) آیا ارزش‌های نسل پدران و فرزندان با هم متفاوت است؟

(۲) مهم‌ترین عوامل موثر بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها چیست؟

نتایج تحقیق حاکی از وجود شکاف در ارزش‌های نسل والدین و فرزندان بوده است. همچنین یافته‌ها نشان از آن دارند که بیشترین شکاف ارزشی بین پدران و پسران در ارزش‌های اجتماعی و در مراتب بعدی ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارند.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن است که تضاد هنجاری بین نسل‌ها، تازگی ارزش‌های پدران، فردگرایی نسل فرزندان، حشو ارزش پدران، بحران هویت فرهنگی نسل فرزندان، میزان گفتگوی والدین با فرزندان، فاصله سطح تحصیلات نسل‌ها و تعداد ساعات خارج از منزل بودن پدر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکاف ارزشی بین نسلی بوده‌اند.

- چارچوب نظری: دیدگاه کلان

کارکردگرایی تفکری است که معتقد است، در جامعه هر چیزی خوب کار می‌کند و هر امری در آن

وظیفه، نقش و فونکسیون مخصوص دارد، به طوری که هیچ چیز بدون مقصود و معنا نیست (مندراس ۱۳۵۶ به نقل از معیدفر ۱۳۷۹: ۲۰). استفاده از روش‌ها و تحلیلهای نوع کارکردگرایی اولیه در جوامع بزرگ که قرین تغییرات و دگرگونیهای دائمی هستند، با مشکلاتی مواجه بود و همین نکته سبب تغییرات در اصول و مبناهای کارکردگرایی اولیه شد و اصول جدیدی با عناوین بدون کارکرد، کژکارکرد، کارکرد آشکار^۱ و پنهان و... رواج یافتند. اندیشه‌های کارکردگرایی و بویژه کارکردگرایی ساختی در دوران معاصر بیش از همه در نظریات و کتاب‌های برجسته‌ترین نظریه پردازان آن یعنی تالکوت پارسونز منعکس می‌گردد. پارسونز جامعه‌شناسی است که سعی در ارائه قالب مفهومی و نظری گسترده‌ای داشت که تنها به جامعه‌شناسی محدود نشود، بلکه سایر رشته‌های علوم انسانی نظیر اقتصاد، سیاست و روانشناسی را هم نیز بهم پیوند دهد. به گفته گی روشه:

«نتیجه این شده است که آثار پارسونز از حد جامعه‌شناسی محض بسی فراتر رفته و همه علوم انسانی را در برمی‌گیرد. پارسونز همیشه خودش را یک جامعه‌شناس دانسته است، اما روشن است که مجموعه آثارش را نمی‌توان فقط جامعه‌شناسی محسوب کرد» (روش، ۱۳۷۶: ۵۴).

در این راستا و برای این نوشتار، اهمیت نظریه کارکردگرایی ساختی، بیش از همه در دو جنبه مهم نهفته است. نخست، تفکیکی که کارکردگرایان ساختی و در رأس آنها پارسونز، از خرده نظام‌های اجتماعی به عمل می‌آورند. تفکیک خرده نظام‌های اجتماعی به چند خرده

نظام از آن رو برای این نوشتار حائز اهمیت بوده است که تأکید بر وضعیت رابطه نسلی و شاخص‌های آن، در چند خرده نظام از همه شایع‌تر است و در سایرین کمتر. به عنوان نمونه، بحثی که پارسونز در باب ناکارآمدی تعاملات در خرده نظام فرهنگی و به تبع آن شکل‌گیری مسأله اجتماعی بحران هویت به عمل می‌آورد، ارتباط بسیار نزدیکی با مباحث نسلی و عدم جامعه‌پذیری نسل‌ها به واسطه نسل‌های گذشته داشته و حکایت از ناتوانی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارد.

نکته دوم در تأکیدی است که کارکردگرایان ساختی و باز در رأس آنها پارسونز بر اهمیت مقوله فرهنگ دارند. فرهنگ به عنوان بالاترین خرده نظام در مجموعه نظام‌های اجتماعی پارسونز می‌تواند مبنای تعادل و یا تغییر باشد. فرهنگ در بردارنده اطلاعاتی است که تغذیه‌کننده خرده نظام‌های دیگر است و از این سان به حفظ تعادل آنها نیز یاری می‌رساند. بر این اساس در این نوشتار نیز وضعیت

رابطه نسلی به عنوان یک کل یا یک مفهوم کلان مطرح نظر بوده و به واسطه ابعاد مختلف در مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سنجش می‌گردد. در این راستا در ساختار خرده نظام فرهنگی پارسونزی مهمترین موضوعاتی که می‌تواند به تدوین رابطه نسلی یا انقطاع آن معطوف گردد، دو موضوع دینداری و ارزش‌های اجتماعی است. وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی به عنوان دو عنصری که پارسونز در بحث خرده نظام فرهنگی بسیار بر آن تأکید دارد، در میان نسل‌های یک اجتماع می‌تواند شاخص مناسبی جهت تشخیص وضعیت رابطه نسلی باشد. از منظر این نوشتار همانگونه که در ادامه خواهد آمد، سنجش دینداری و ابعاد آن و همچنین ارزش‌های اجتماعی در میان دو نسل به عنوان دو شاخص مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارتی، و در راستای بحث رابطه نسلی مبتنی بر نظریه پارسونز می‌توان قائل به تفکیکی بود که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱- انطباق خرده نظام‌های پارسونز با مقوله‌های نسلی

خرده نظام‌ها	مقوله‌های رابطه نسلی
خرده نظام فرهنگی	- ارزش‌های اجتماعی - ارزش‌های مادی / فرامادی، - دینداری - نگرش به خانواده
خرده نظام سیاسی	- رویکردهای دینی به سیاست - ترجیحات سیاسی
خرده نظام اجتماعی	- گرایش به نوگرایی - نگرش به زنان

علاوه بر آن، همانگونه که در جدول فوق نیز تشریح شد، شاخص رابطه نسلی از زیرمجموعه‌هایی برخوردار است که هر یک به طور جداگانه مقوله‌ای متمایز محسوب می‌گردند. بحث درباره این زیرمجموعه‌ها و تفاوت نسل‌ها در مورد آنها، نوشتار حاضر را به مبحث رابطه نسلی رهنمون می‌سازد. رابطه نسلی، پدیده‌ای قرن بیستمی است و بیشتر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است که پدیده جوانی و رابطه نسلها به عنوان مسأله‌ای اجتماعی به طور جدی توجه تحلیل‌گران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی را به خود جلب می‌کند. بنابراین، در آثار نظریه پردازان متقدم بویژه در حوزه جامعه‌شناسی به ندرت کسانی را می‌یابیم که شخصاً پدیده رابطه نسلی را به عنوان یک موضوع اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار داده باشد. با این وجود در پاره‌ای از این نظریه‌پردازی‌ها، با توجهی تلویحی به این پدیده در ابعادی خاص و محدود چون تفاوت‌های ارزشی، مذهبی، فکری و نظیر آنها مواجه می‌شویم؛ به عنوان مثال لوئیس کوزر در شرحی بر جامعه‌شناسی معرفتی کارل مانهایم^۱ یادآور می‌شود که «در زمان کنونی بیشتر بر عامل اختلاف نسلها در رابطه با افکار تأکید می‌شود که مانهایم توجه خاصی به آن کرده است. در واقع شاید بی‌توجهی به جامعه‌شناسی نسلهای مانهایم در گذشته و کشف دوباره آن در این زمان، خود یکی از نمونه‌های بارز یقین وجودی معرفت باشد» (کوزر، ۱۳۷۰: ۵۶۹).

از کارل مانهایم می‌توان به عنوان اولین نظریه‌پردازی که مفهوم نسل را وضع کرد، نام برد. مانهایم از «برخورد تازه» در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که

به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود اینکه او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود با نسل معین می‌کند؛ اما افرادی که در درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تحریکات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی^۲ یاد می‌کند (Manheim, 1952, 290).

مانهایم، مفهوم «نسل» را در تکمیل تحلیل قشربندی اجتماعی در «جامعه‌شناسی مدرن» به کار برده است. این مفهوم به عنوان بخشی از برنامه وسیع‌تر او برای جامعه‌شناسی معرفت طراحی شد و عنصری از استراتژی نظری ساختار برای فهم «اساس وجودی معرفت» از طریق بهره‌گیری مفاهیم دیگری به غیر از طبقه اجتماعی است. این بخش از تحقیق مانهایم برای نظریه جایگزین در تغییر اجتماعی مارکس با معرفت‌شناسی سنتی (تعاریف مادی از منافع) و تمرکز درباره اقتصاد به عنوان سازوکار علمی تغییر اجتماعی بود (ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۴). به طور خاص، مانهایم مفهوم نسل را برای مطالعه رشد تفکر محافظه‌کاری در جوامع مدرن به کار برده است. از نظر او محقق ممکن است فرهنگ‌های نسلی را همانطور که در مورد فرهنگ‌های طبقاتی یا فرهنگ‌های حرفه‌ای بحث می‌کرده است، مورد نظر قرار دهد و مفهوم‌سازی کند (ترنر، ۱۹۹۵: ۳۹۱). از نظر مانهایم، یکی از راه‌های تعیین تفاوت‌های مهم بین طبقه اجتماعی و نسل می‌تواند توجه به مشکل زمان و دوره^۳ باشد. در جامعه‌شناسی نسل‌ها، ضروری است بین همزیستی‌ها (آنهايي که در

2 - Generation Units

3 - Duration

1- Mannheim. K

فرزندان چنین می‌گویند: برای این پرسش که آیا نوجوانان ارزش‌های والدین خود را می‌پذیرند یا آنها را نفی می‌کنند، جوابی ساده وجود ندارد. در حال حاضر والدین نوجوانان در شرایطی دشوار قرار دارند، اینکه امروز ارزش‌های اجتماعی خصوصاً در مورد مسائل جنسی، در حال دگرگونی هستند، گفته‌ای رایج است. آنچه که والدین در دوره کودکی خود یاد گرفته‌اند، دیگر نمی‌تواند راهنمای فرزندان باشد... در سطح سیاسی هم شکاف بین والدین و فرزندان در قبال موضوعات خاصی دیده می‌شود؛ اما در زمینه مباحث عمده اجتماعی اختلاف سلیقه دو نسل چندان چشمگیر نیست (سگالین، ۱۳۷۰: ۲۲۴).

بورديو جامعه‌شناس مارکسیستی نیز موضوعات نسلی را در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌نماید. در این راستا، با مراجعه به جامعه‌شناسی فرهنگ بورديو و به طور خاص با توجه به نظر او در مورد ملکه می‌توان نسل را فهم نمود؛ زیرا افرادی که هم‌دوره‌ای‌اند و در زمان حال زندگی کرده و ملکه فرهنگی مشترک دارند، کارکردی که برای آنها با حافظ جمعی که ترکیب هم‌دوره‌ای‌ها را در طول یک دوره خاص تعیین می‌کند؛ تعریف کننده نسل واحد است. در این تعریف توجه خاصی به ایده فرهنگ جمعی و مشترک معطوف است؛ احساسات، رجحان‌ها، خلق و خو و مجموعه‌ای از اعمال از قبیل ورزش و فعالیت‌های تفریحی حافظه جمعی و خلق فرهنگی یا سنت نسلی را تعیین می‌کنند که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. به اعتقاد بورديو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از

زمانی واحد زندگی می‌کنند) و هم زمانی (آنهايي که هم سن هستند) تمایز قائل شد.

واحد نسلی مرکزی‌ترین عنصر بحث مانه‌ایم است. با این حال او سه بعد را برای نسل تشخیص می‌دهد: جایگاه نسلی، نسل به مانند یک واقعیت، واحد نسلی (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۸). جایگاه نسلی، تعیین کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند و کسانی که مقدار مشترکی از وقایع تاریخی را تجربه می‌نمایند، مرتبط است. نسل به عنوان یک واقعیت با بازتشخیص تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، کسانی که احساس می‌کنند با معاصرانشان مرتبط هستند، بستگی دارد؛ چرا که به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند. بنابراین، یک نسل به عنوان یک واقعیت فقط شامل افرادی است که به لحاظ تاریخی هم دوره هستند (Diepstraten et al, 1999).

از نظر مانه‌ایم، واحد نسلی، بیش از یک گروه سنی زیستی و هر یک از هم‌دوره‌ای‌های سنی است. واحد نسلی همچون جمع افراد به لحاظ سنی مشابه نیست، بلکه واحد اجتماعی پیوندی از یکدیگر از طریق موقعیت ساختاری مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی همچون یک واحد اجرایی و کنش متقابل اجتماعی و انسجام در میان اعضاء است. لاور^۱ عنوان می‌کند که مانه‌ایم مدعی بود، دگرگونی سریع در تشدید اختلاف میان نسلها اهمیت ویژه‌ای دارد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۹۰).

مارتین سگالین نیز در اثر خود تحت عنوان جامعه‌شناسی تاریخی خانواده در بحثی پیرامون روابط والدین و

نهادی یا غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است.

مارگارت مید با بررسی انقلاب دانشجویی ۱۹۶۹ اروپا، مدعی بود که دلیل رفتارها و بنیادهای انقلابی دانشجویان و اغتشاشات دانشجویی آن دهه، وجود تفاوت نسلی میان متولدان سالهای قبل و بعد از جنگ جهانی دوم است. جنگ جهانی دوم، از دید «مید» تغییرات اجتماعی وسیع و تند و شتابان سبب رشد و تحول بینش‌ها و آگاهی و تحولاتی در نگرش‌ها شده است. اصولاً فرآیند نوسازی محصولات و فرآورده‌های انسانی متعددی دارد. سبک و الگوهای مصرف، گروههای مرجع جدید و حتی سیالیت گروههای مرجع، نیازهای جدید و اختصاصات جوامع صنعتی از محصولات نوسازی است که بر روابط نسلی تأثیر می‌گذارد. از طرفی در فرآیند نوسازی با توجه به قدرت و سرعت انتشار اطلاعات توسط مصنوعات ارتباطی مدرن اشاعه و انتقال فرهنگی آسان‌تر و ساده‌تر است. از این روست که بسترها و شرایط رشد و تحول انسانی متفاوت از نسل والدین شود.

از دید مید، تغییرات اجتماعی شتابان، فرآیند لازم و آرام انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و یا فرآیند اجتماعی شدن را دچار مشکل و وقفه می‌کند و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد می‌کند. به نظر مید کسانی که پس از جنگ دوم جهانی بزرگ شده‌اند، در دنیای زندگی خود را شروع و تجربه کرده‌اند که کاملاً با دنیای قبل از آن متفاوت است. در واقع او معتقد است که نسل قبل از جنگ دیگر هرگز تکرار نخواهد شد؛ چرا که آنها در دنیای بدون بمب اتمی، بدون تلویزیون، بدون

ماهواره و رسانه‌های جمعی بین‌المللی، بدون کامپیوتر، بدون فضاپیمای ماه‌نورد و بسیاری از وسایل مدرن دیگر بزرگ شده‌اند و در نتیجه تجربه نسل جدید را نمی‌توانند درک کنند. نتیجتاً، فاصله نسلی عمیقی بین نسل قبلی و نسل بعد از جنگ دوم در کشورهای غربی، و حتی در کشورهای دیگر، به وجود آمده است که همانند آن نه هرگز بوده و نه هرگز تکرار خواهد شد (Mead, 1973:12).

در زیرمجموعه مباحث نسلی و در رابطه با بحث نوگرایی نظریات جامعه‌شناس نوسازی اندیشمند جامعه‌شناس اورت راجرز از سایرین برجسته‌تر می‌نمایاند. راجرز با تأکید بر متغیرهای فردی و مرتبط به نظام‌های شخصیتی افراد، در قالب مبحث خرده فرهنگ روستایی به پویسهای نوگرایی در میان روستائیان پرداخته است. به نظر راجرز تغییر، چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را نو و جدید می‌پندارد و شیوع به معنای فرآیندی است که اندیشه و نظری نو انتشار و اشاعه می‌یابد و پذیرش اندیشه نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیم‌گیری درباره آنست در پنج مرحله عینیت می‌یابد: آگاهی، علاقه، ارزشیابی، آزمایش و پذیرش اندیشه نو (از کیا، ۱۳۶۴: ۱۱۵).

از منظر راجرز کسانی که اندیشه نوینی را سریع می‌پذیرند، مراحل فوق را نیز با سرعت پشت سر می‌گذارند و بر عکس کسانی که دیر می‌پذیرند، مراحل را نیز به کندی پشت سر می‌گذارند. به نظر او معمولاً افرادی که خیلی زود تغییر یا رویه جدیدی را می‌پذیرند از سایرین جوان‌ترند، پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند. راجرز معتقد است که عناصری چون

ب: فرضیه اجتماعی شدن که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سالهای قبل از بلوغ وی است.

در نظر اینگلهارت و همکارانش، این دو فرضیه با هم مجموعه بهم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزشها را پدید می‌آورند. اول، در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزشهای فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزشهای فردی و نه ارزشهای یک جامعه به طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کنند. برعکس دگرگونی اساسی ارزشها به تدریج و بیشتر به طریقی نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاسی وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوانتر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه شود.

دوم، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی محقق انتظار دارد، بین اولویتهای ارزشی نسل‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی بیابد. این اولویتهای ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلف سالهای تکوین باشد. لیکن یک تأخیر زمانی نسبتاً بزرگ بین دگرگونیهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی آنها وجود دارد. حدود ده یا پانزده سال پس از آنکه دوره رونق اقتصادی شروع شد گروههای سنی که سالهای شکل‌گیری خود را در رونق اقتصادی گذارنده باشند به جمع رأی دهندگان می‌پیوندند و نیز ده سال یا بیشتر باید بگذرد تا اینکه این گروهها به پستهای قدرت و نفوذ در جامعه دست یابند (همان: ۷۷).

در مجموع در رابطه با زیرمجموعه‌های بحث رابطه نسلی می‌توان عنوان نمود که برای نوشتار حاضر چند

انگیزه‌ها، ارزشها و وجهه‌نظرها (در قالب خرده فرهنگ دهقانی) عناصر اصلی و کلیدی برای فهم فتار به شمار می‌آیند. به نظر او عناصر خرده فرهنگ دهقانی، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شوند و به تعبیری مانع تجدّد و نوسازی هستند. این عناصر عبارتند از:

۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی ۲- فقدان نوآوری ۳- تقدیرگرایی ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات ۵- عدم توانایی چشم پوشی از منافع آتی به خاطر منافع آتی ۶- عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان ۷- خانواده گرایی ۸- وابستگی به قدرت دولت ۹- محلی‌گرایی ۱۰- فقدان همدلی.

نظریه فرامادپروری رونالد اینگلهارت که حاصل مجموعه‌ای از تحقیقات تجربی و پیمایش‌های ملی-مقطعی در طی یک دوره بیست و پنج ساله (از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵) است، ابتدا در قالب کتاب اول اینگلهارت با عنوان انقلاب آرام در سال ۱۹۷۷ نمایان شد؛ با انتشار کتاب دوم او تحت عنوان «تحوّل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» در سال ۱۹۸۸ و سپس در کتاب «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی» درستی این نظریه بر اساس تحلیلهای وی به اثبات رسید. نظریه مادی/ فرامادی بر دو فرضیه مهم استوار است:

الف: فرضیه کمیابی که در آن اولویتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی- اقتصادی وی است، به گونه‌ای که فرد بیشترین ارزشی ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵).

زنان و خانواده. جدول زیر مباحث فوق را بیشتر روشن می‌گرداند.

بحث از اهمیت بیشتری برخوردارند: ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های مادی/فرامادی؛ دینداری و ابعاد آن؛ رویکردهای سیاسی به دین؛ ترجیحات سیاسی و نگرش به

جدول شماره ۲- متغیرهای رابطه نسلی و زیرمجموعه‌های آن

مقوله‌های رابطه نسلی	معرف‌ها
ارزش‌های اجتماعی	ایثار، قناعت و
مادی/فرامادی	اهمیت مقوله‌های زیبایی‌شناختی و دموکراتیک
دینداری	ابعاد مناسکی، پیامدی و اعتقادی
نگرش به خانواده	خشونت خانگی، تعداد فرزندان، معاشرت پیش از ازدواج و...
رویکردهای دینی به سیاست	رویکرد بنیادگرایی، اصلاحی و سکولار
ترجیحات سیاسی	نگاه به ساختار سیاسی و میزان علاقه به سیاست
گرایش به نوگرایی	در امور اداری، دوری از تقدیرگرایی، آینده‌نگری و...
نگرش به زنان	در ابعاد تحصیلی و شغلی

بین نسل جوان و نسل بزرگسال از لحاظ ترجیحات سیاسی گسست وجود دارد (اینگلهارت). نوع تلقی از مذهبی بودن و ارزیابی آینده‌دین در میان نسل جوان منفی‌تر از نسل بزرگسال است. نگرش‌های نسل جوان درباره زنان و خانواده با نگرش‌های بزرگسالان تفاوت دارد (اینگلهارت و ولزل).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^۱ است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۲، از نظر وسعت پهنانگر^۳ و از نظر زمانی نوعی بررسی مقطعی^۴ است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۸ تا ۲۹ سال و ۴۰ سال به بالای شهر کرمانشاه

به هر روی چنین به نظر می‌رسد که دو نسل در شهر کرمانشاه بر مبنای مؤلفه‌های فوق دارای تفاوت‌هایی بوده و مطابق انتظارات تئوریک این تفاوت‌ها در راستای توجه و گرایش نسل جوان به نگرش مثبت به زنان، خانواده هسته‌ای و عدم خشونت در خانه، ترجیح رویکرد دینی اصلاحی یا حتی سکولار در رابطه با سیاست، نوگرایی و فرامادی بودن است.

در مجموع می‌توان فرضیه‌های نوشتار حاضر را به صورت زیر ارائه نمود:

بین نسل جوان و بزرگسال از لحاظ ابعاد دینداری اختلاف وجود دارد (گلارک و استارک).

بین اولویت ارزشی نسل جوان و بزرگسال گسست وجود دارد (کارکردگرایی و نوسازی).

بین نسل جوان و بزرگسال از لحاظ میزان گرایش به نوگرایی تفاوت وجود دارد (جانسون و راحرز).

1- Survey
2- Applied
3- Extensive
4- Cross Sectional

دقت مطالعه تعداد نهایی پرسشنامه در دو ضرب شده و بر این اساس حدود ۷۶۸ پرسشنامه تکمیل گردید. اگرچه به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسشنامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها نهایتاً تعداد ۷۲۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفته است. دلیل دو برابر شدن حجم نمونه پراکندگی نمونه بویژه پراکندگی در بعد فاصله سنی بوده است و علاوه بر آن این کار دقت برآورد تحقیق را نیز افزایش خواهد داد.

است. دلیل انتخاب دو گروه سنی فوق از این رو بوده است که در نوشتار تأکید عمده بر روابط میان نسل والدین و فرزندان انجام پذیرفته و از این رو فاصله مذکور برای شمول جایگاه والدین مد نظر قرار گرفته است. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d = 0.05$ و حداکثر واریانس $PQ = 0.25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شده است. البته از آن رو که در تحقیق حاضر دو نسل مطرح نظر بوده اند و برای افزایش

جدول شماره ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	ابعاد	درصد
جنس	مرد	۵۶/۷
	زن	۴۳/۳
وضعیت شغلی	شاغل	۶۷/۲
	بیکار	۳۲/۸
سن	۱۸-۲۳	۲۵
	۲۴-۲۹	۲۵
	۴۰-۴۵	۱۳/۳
	۴۶-۵۰	۱۳/۳
	۵۱-۵۵	۱۱/۷
	۵۵ به بالا	۱۱/۷
تحصیلات	بی سواد	۲۰
	ابتدایی و راهنمایی	۳۵/۶
	تا دیپلم	۱۸/۹
	فوق دیپلم و لیسانس	۲۵
منطقه زندگی	فوق لیسانس و بالاتر	۰/۶
	پایین	۳۳/۳
	متوسط	۳۳/۳
	بالا	۳۳/۳

آلفای کرونباخ در جدول شماره ۴ آمده است که به نظر می‌رسد، همهٔ سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی دارای روایی‌اند.

بر این اساس، واحد تحلیل پژوهش حاضر، شهروندان و قلمرو زمانی تحقیق، شش ماههٔ دوم سال ۱۳۸۸ است. همچنین میزان روایی سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس

جدول شماره ۴- ضریب آلفای کرونباخ

سازه و ابعاد	تعداد گویه	میزان آلفا
دینداری	۱۶	۰/۸۲۳
۱- بعد اعتقادی	۶	۰/۸۵۰
۲- بعد مناسکی	۴	۰/۷۵۴
۳- بعد پیامدی	۶	۰/۷۳۳
نوگرایی	۹	۰/۷۹۳
مادیگرایی/ فرامادیگرایی	۱۱	۰/۸۸۴
نگرش به زنان	۵	۰/۶۸
نگرش به خانواده	۶	۰/۷۴

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه می‌شود. در قسمت اول شاخص‌های توصیفی ابعاد مختلف دینداری، نوگرایی، فرامادیگرایی، نگرش به زنان و نگرش به خانواده ارائه شده و در قسمت دوم فرضیه‌های تحقیق درباره تفاوت یا عدم تفاوت میان نسل‌ها دربارهٔ مقوله‌های فوق و به طور خاص در رابطه با شاخص رابطه نسلی بررسی می‌شوند.

توصیف متغیرهای اصلی

متغیرهای اصلی در این پژوهش همانگونه که ذکر شد؛ شامل به دینداری و ابعاد آن، نوگرایی، فرامادیگرایی، نگرش به زنان و نگرش به خانواده است که در زیر توصیف آنها ارائه می‌شود.

همانگونه که در جدول فوق نمایان است، میانگین دینداری کلی افراد به عنوان یک شاخص در میان دو نسل در شهر کرمانشاه در پیوستاری ۱ تا ۴ مقوله‌ای از ۲/۸۷ برای نسل جوان و ۲/۹۹ برای نسل بزرگسال بوده است. آن رو که حداکثر نمره در این زمینه ۴ است، پس می‌توان این میانگین دینداری را در حد متوسط و متوسط رو به بالا رتبه بندی نمود. همچنین، نمره شهروندان کرمانشاهی در دو نسل در ابعاد سه گانه دینداری؛ یعنی در ابعاد اعتقادی، مناسکی و پیامدی به ترتیب ۳/۳۱، ۳/۴۷، ۲/۴۳، ۲/۵۶؛ و ۲/۷۹، ۳/۰۵ بوده است که در مجموع در بعد اعتقادی نیز هر دو نسل شهروندان کرمانشاهی از میزان اعتقادات بالا و نسبتاً بالایی برخوردار بوده و از لحاظ پیامدی نیز می‌توان آنها را در رتبه متوسط قرار داد. علاوه بر آن، آنچه که از جدول فوق مشخص است، اینکه از نظر میزان انجام

منظر مقوله نگرش به زنان نمرات پاسخگویان در مجموع اندکی بالاتر از متوسط و نمره نگرش به خانواده در حد متوسط و بالاتر قرار دارد.

مناسک دینی شهروندان در سطح پایینی قرار دارند. همچنین میانگین شهروندان کرمانشاهی در دو مقوله نوگرایی و فرامادیکرایی میانی قرار داشته و از این سان می‌توان رتبه متوسطی برای آنها در این ابعاد قائل شد. از

جدول شماره ۵- میانگین دینداری و ابعاد آن در میان دو نسل

مقوله‌ها	گروه‌های نسلی	میانگین	حداقل	حداکثر
دینداری	نسل جوان	۲/۸۷	۱	۴
	نسل بزرگسال	۲/۹۹		
اعتقادی	نسل جوان	۳/۳۱۴	۱	۴
	نسل بزرگسال	۳/۳۴۸		
مناسکی	نسل جوان	۲/۳۲	۱	۴
	نسل بزرگسال	۲/۵۶		
پیامدی	نسل جوان	۲/۷۹	۱	۴
	نسل بزرگسال	۳/۰۵		
نوگرایی	نسل جوان	۲/۸۶	۱	۴
	نسل بزرگسال	۲/۳۵		
فرامادیکرایی / فرامادیکرایی	نسل جوان	۲/۶۸	۱	۴
	نسل بزرگسال	۲/۶۶		
نگرش به زنان	نسل جوان	۲/۹۴	۱	۴
	نسل بزرگسال	۱/۹۳		
نگرش به خانواده	نسل جوان	۲/۶۸	۱	۴
	نسل بزرگسال	۲/۰۱		

تحلیل فرضیه‌ها

فرامادیکرایی، نگرش به زنان و نگرش به خانواده در میان دو نسل سنجش شده و معناداری یا عدم معناداری تفاوت میان آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جدول شماره ۶ وضعیت تفاوت پاسخگویان بر مبنای ابعاد رابطه نسلی را بر اساس وضعیت میانگین‌های دو نسل و آماره آزمونی T-Test نمایش می‌دهند.

همانگونه که در چارچوب نظری نیز توضیح داده شد، تغییر نسل می‌تواند باعث تغییراتی در میزان دینداری افراد، گرایش به مقوله‌های نوگرایی و فرامادیکرایی، نگرش تازه به زنان و خانواده و مقوله‌هایی از این دست شود. از این منظر در ادامه دینداری و ابعاد آن و همچنین نوگرایی،

جدول شماره ۶- آزمون فرضیه‌ها و بیان تفاوت‌ها: بخش نخست

فرضیه‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان دینداری تفاوت معنی داری وجود دارد.	-۵/۴۴	۷۱۸	۰/۰۰۰
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان اعتقاد به جنبه‌های دینی تفاوت معنی داری وجود دارد.	-۱/۰۶	۷۱۸	۰/۲۷۸
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان انجام مناسک دینی تفاوت معنی داری وجود دارد.	-۳/۹۰	۷۱۸	۰/۰۰۰
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ ویژگی‌های نوگرایی تفاوت معنی داری وجود دارد.	۳/۴۶۰	۷۱۴/۷۷۶	۰/۰۳۶
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ ویژگی‌های مادگرایی / فرامادگرایی تفاوت معنی داری وجود دارد.	-۱/۲۶۰	۶۹۰/۸۴۶	۰/۲۰۴
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.	۳/۵۳	۷۱۶/۸۲۴	۰/۰۰۰
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به خانواده تفاوت معنی داری وجود دارد.	۲/۷۴	۷۱۸	۰/۰۴۶
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ ترجیحات فردی سیاسی تفاوت معنی داری وجود دارد.	-۵/۳۶	۷۱۸	۰/۰۰۰
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ رویکر دینی اصلاحی به سیاست تفاوت معنی داری وجود دارد.	۳/۶۰۰	۷۱۸	۰/۰۰۰
بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ رویکر دینی سکولار به سیاست تفاوت معنی داری وجود دارد.	۰/۴۳۷	۷۱۵/۳۲۹	۰/۶۶۹

بر اساس جدول فوق چند موضوع شایان توجه است:

- تفاوت معنی داری میان شاخص دینداری، متغیر

انجام مناسک دینی، پیامد دینی، سازه نوگرایی، متغیر

ده متغیر وضعیت دینداری، نگرش به خانواده، سه نوع رویکرد دینی، نگرش به زنان، نوگرایی، ترجیحات فردی سیاسی، ارزش‌های عمومی و مادینگرایی / فرامادینگرایی تشکیل شده است. برای دقت روشمند در ساخت شاخص فوق، ابتدا با روش‌های مختلف ارتباط میان آنها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مشخص گردید که تنها از حالت اولیه متغیرهای نوگرایی، نگرش به زنان، نگرش به خانواده و فرامادینگرایی و حالت معکوس سازه دینداری و متغیر ارزش‌های عمومی استفاده گردید.

ج. مدل اندازه‌گیری و اعتبار سازه

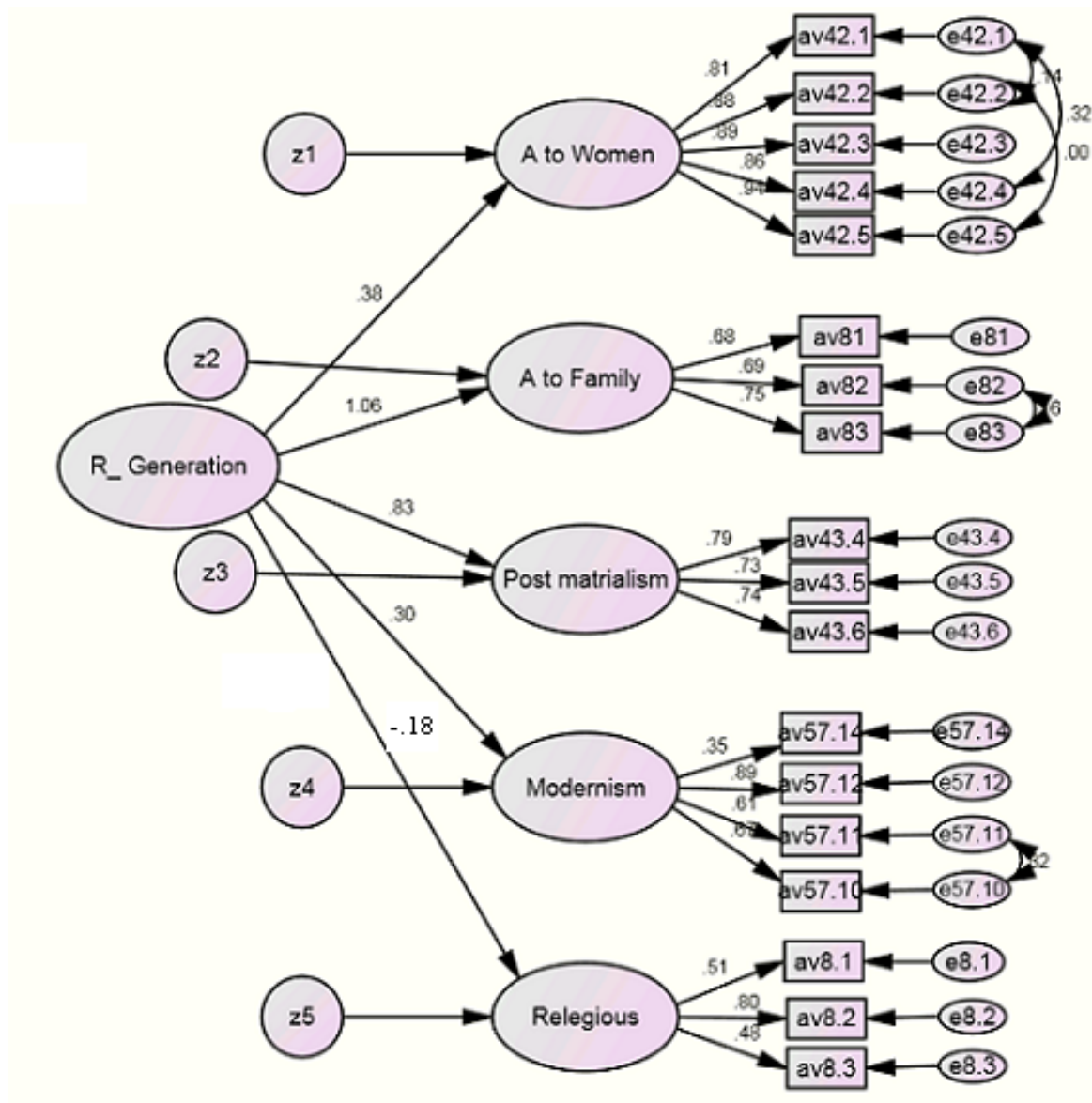
مدل نهایی اندازه‌گیری برای سازه اصلی رابطه نسلی (R_Generation) در این مطالعه مشتمل بر شش متغیر پنهان در نظر گرفته شد که علاوه بر سازه اصلی، متغیرهای نوگرایی، نگرش به زنان، نگرش به خانواده و فرامادینگرایی و حالت معکوس سازه دینداری و متغیر ارزش‌های عمومی را شامل می‌شوند.

نگرش به زنان، نگرش به خانواده و رویکرد دینی اصلاح‌گرایانه به سیاست وجود دارد. به عبارتی نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ مقوله‌هایی مانند انجام مناسک دینی، پیامد دینی، سازه نوگرایی، متغیر نگرش به زنان، نگرش به خانواده و رویکرد دینی اصلاح‌گرایانه، اتفاق نظر نداشته و ایده‌های متفاوتی دارند، اگرچه سطح معنی داری تفاوت در نگرش به زنان اندکی متفاوت‌تر از سایر ابعاد است. در بعد اعتقادی میان دو نسل جوان و بزرگسال تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد و این نشان از آن دارد که نسل جوان نیز پایه‌های اعتقادی همانندی با نسل بزرگسال دارد.

- همانگونه که از وضعیت میانگین مشخص است (جدول شماره ۵)، شدت تفاوت در دو نسل مربوط به بعد مناسک دینداری و متغیر نگرش به زنان است که میزان تفاوت میانگین دو نسل به بیش از ۲ واحد میانگینی می‌رسد. اما تفاوتی که در این دو مقوله وجود دارد این است که در بعد مناسکی دینداری، مطابق انتظارات نظری مقاله، نسل بزرگسال رتبه بالاتری کسب نموده و رتبه نسل جوان در این زمینه پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد، اگرچه باید یادآوری کرد که نمره میانگین نسل بزرگسال نیز در این بعد چندان بالا نیست. درباره نگرش به زنان وضعیت کاملاً معکوس است؛ به این صورت که نگرش نسل جوان به ویژگی‌های نو درباره زنان بسیار مثبت‌تر از نسل بزرگسال بوده است.

سازه اولیه رابطه نسلی

همانگونه که در چارچوب نظری تحقیق و در بخش یافته‌ها نیز به آن اشاره شده است، شاخص رابطه نسلی از



شکل ۱- مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای اندازه‌گیری سازه رابطه نسلی

جامعه آماری مورد مطالعه در مجموع مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. نتایج مربوط به ارزیابی کلیت مدل اندازه‌گیری تدوین شده، در جدول (۴) گزارش شده است.

همانگونه که در قسمت‌های پیشین توضیح داده شد، این مدل دارای مبنای نظری است. شاخص‌های برازش برای کل مدل در چهار حالت و همچنین وجود تفاوت معنادار بین بارهای عاملی برآورد شده با مقدار صفر برای

جدول ۷- شاخص برازش مدل اولیه و مدل اصلاح شده

مدل تدوین شده درجه آزادی = ۹۶			شاخص			نوع شاخص
نسل بزرگسال	نسل جوان	کل	دامنه قابل قبول (قاسمی، ۱۳۸۹)	معادل فارسی	علامت اختصاری	
۰/۸۶۴	۰/۸۱۱	۰/۹۰۲	۰/۹۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی	CFI	تطبیقی
۰/۷۶۰	۰/۸۵۳	۰/۹۳۳	۰/۹۰ - ۱	شاخص توکر-لویس	TLI	
۰/۵۲۷	۰/۶۴۳	۰/۷۲۷	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش هنجارشده مقتصد	PNFI	مقتصد
۰/۶۱۶	۰/۷۰۶	۰/۷۱۲	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	
۰/۰۷۲	۰/۰۸۴	۰/۰۵۹	۰ - ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	
۰/۹۰۴	۰/۸۶۵	۰/۹۶۵	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش	GFI	مطلق
۰/۸۶۳	۰/۸۰۹	۰/۹۵۱	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	
۱۶۸/۱۹	۴۱۸/۰۰	۵۷۱/۶۵	وابسته به حجم نمونه	مقدار کای اسکوتر	Chi-Square	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	وابسته به حجم نمونه	سطح معناداری	P-Value	

گروه‌های فرعی مورد مطالعه، مدل تدوین شده نظری برای اندازه‌گیری سازه رابطه نسلی را مورد حمایت قرار می‌دهند و چنین حمایتی به عنوان اعتبار سازه مدل تدوین شده نیز تفسیر می‌شود.

تحلیل میانگین و آزمون فرضیه تحقیق

تحلیل ساختارهای میانگین بر مبنای مقایسه تفاوت نسبی میانگین‌ها^۱ قرار دارد. چنین مبنایی به معنای آن است که

کلیه شاخص‌های برازش محاسبه شده (جدول ۷) در دو گروه شاخص‌های تطبیقی و مقتصد که معیار اصلی برای ارزیابی مدل تدوین شده هستند، در دامنه قابل قبول یا نزدیک به آن قرار دارند. چنین وضعیتی با توجه به پیچیدگی مدل اندازه‌گیری تدوین شده، به لحاظ تعدد شاخص‌های تعریف شده برای هر سازه و همچنین مرتبه دوم بودن مدل تدوین شده، وضعیتی مطلوب را نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که داده‌های گردآوری شده در کل و همچنین برای هر یک از

1 - Relative Difference of Means

گروه مرجع (Byrne, 2010) شناخته می‌شود. نتایج به دست آمده از تحلیل ساختارهای میانگین در جداول زیر ارائه شده است.

در صورت مقایسه دو گروه با یکدیگر، میانگین یکی از گروه‌ها برابر با مقدار صفر، ثابت فرض می‌شود و میانگین گروه دوم در مقایسه با آن محاسبه می‌شود. گروهی که میانگین آن برابر با مقدار صفر ثابت می‌شود، به عنوان

جدول شماره ۸- شاخص‌های توصیفی آزمون T-Test

خطای معیار از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
.12827	2.43383	.2251	360	نسل جوان	رابطه نسلی
.11901	2.25184	-.2264	358	نسل بزرگسال	

جدول شماره ۹- وضعیت تفاوت میان نسل‌ها در رابطه با شاخص رابطه نسلی

Sig	درجه آزادی	t	سطح معنی داری F	آزمون لوین	واریانس نابرابر	رابطه نسلی
۰/۰۱۰	۷۱۲,۳۰۷	۲/۵۸	۰/۰۰	۱۰۶/۵۸۵	واریانس نابرابر	رابطه نسلی

جمع بندی و پیشنهادها

تحت تأثیر تغییرات جدید در سطح جهان و در داخل ایران شرایط تازه‌ای شکل گرفته است که بارزترین وجه پیامدی آن افتراق فرهنگی نسل‌های مختلف در داخل ایران بوده است. مطالعات بسیاری این جدایی و ناهمگنی در ابژه‌های فرهنگی دو نسل را مورد سنجش قرار داده‌اند که مطالعه حاضر نیز در راستای همان مطالعات بوده است. در مورد نتایج به دست آمده از این تحقیق چند نکته قابل ذکر است:

- در بحث دینداری به نظر می‌رسد به واسطه نتایج می‌توان عنوان نمود که دینداری سنتی که متضمن پایبندی افراد به تمام ابعاد دینداری است، در بین هر دو نسل و بویژه نسل جوان رو به سستی است و با توجه به شرایط

جداول فوق نکات زیر را به ذهن متبادر می‌سازند:

- نخست اینکه میانگین نسل جوان در رابطه با شاخص رابطه نسلی از میانگین نسل بزرگسال بالاتر است.

- دوم اینکه همانگونه که از جدول T-Test مشخص است با احتمال ۹۵ درصد می‌توان عنوان نمود که بر اساس آزمون لوین در حالت واریانس‌های نابرابر، دو نسل به لحاظ شاخص رابطه نسلی دارای تفاوت معنی داری هستند.

- نکته سوم اینکه همانگونه که در جداول پیشین نیز به آن اشاره شد، نسل جوان در ابعاد مادیگرایی/ فرامادیگرایی، نوگرایی، نگرش به زنان و نگرش به خانواده نمره بالاتر و در متغیر دینداری نمره پایین‌تری کسب نموده است. در مورد نسل بزرگسال وضعیت حالت عکس دارد.

ایجاد شده، پابندی به برخی از ابعاد دینداری زیاد و به برخی دیگر کم است.

علاوه بر آن، دینداری کلی در میان دو نسل با ترکیب تمام ابعاد و متغیرها بیشتر به سمت متوسط رو به بالا میل می‌کند، به طوری که میانگین دینداری دو نسل از ۱۰۰ حدود ۷۴ درصد است که در بعد اعتقادی که جنبه خصوصی‌تری دارد نمره دینداری بالاست، پس باید گفت که در عرصه خصوصی و فردی همچنانکه برگر بیان می‌کند دین حضور پررنگی دارد و نمی‌توان گفت که سکولاریسم اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است. برگر بر آنست که جهان معاصر، جهانی سکولار نیست بلکه آکنده از احساسات مذهبی است و علت آن این است که انسانها عدم قطعیت در زندگی برایشان غیر قابل تحمل است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۶). چنانچه ملاحظه می‌شود نمرات دینداری نسل جوان در تکالیف و عبادت یا به عبارت دقیق‌تر در بعد مناسکی پایین است (کمتر از ۵۰ درصد)، این در حالی است که این بعد در میان نسل بزرگسال بسیار بیشتر است (بیش از ۶۵ درصد) و همین وجه یکی از غالبترین وجوه تفاوت میان دو نسل در میزان دینداری بوده است. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که متولیان امر توجه بیشتری به امور دینی جوانان، به ویژه بحث مناسک در بعد دینداری مبذول دارند. اگرچه برنامه‌های بسیاری در این زمینه تدارک دیده شده است، اما نتایج تحقیق حکایت از عدم اثرگذاری چنان برنامه‌هایی دارد، لذا توصیه می‌شود که در چارچوب و محتوای برنامه‌ریزی‌ها نیز دقت کافی به عمل آید. بر خورداری برنامه‌ها از اسلوبی علمی - احساسی راهکاری است که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

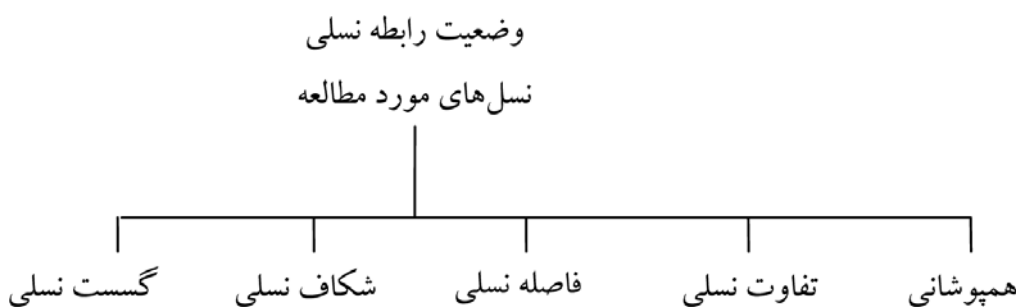
- در مورد متغیرهای نوگرایی، نگرش به زنان و خانواده و مادگرایی / فرامادگرایی نیز می‌توان یادآوری کرد که مطابق انتظار محقق و همچنین در راستای نظریات مطرح شده، فرض نوگرا و فرامادگرتر بودن نسل جوان و نگرش مثبت به ویژگی‌های نو در رابطه با خانواده و زنان به اثبات رسیده است. این نتیجه با نتایج رونالد اینگلهارت، راجرز، مارگارت مید و دیگران که در ادبیات نظری به آن اشاره شد، کاملاً انطباق دارد. اینگلهارت و دیگران بر آنند که "جوانترین گروه‌ها در جوامع مختلف بویژه جوامع صنعتی دو برابر و نیم بیشتر از گروه بزرگسال ارزش‌های نوگرایانه و فرامادی دارند" (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۷۸) و در مقابل حداقل در رابطه با تغییر نگرش به زنان و بعضی از جنبه‌های خانواده که اموری اجتماعی هستند، نتایج تحقیق در تقابل با اندیشه اندیشمندانی مانند سگالین قرار می‌گیرند. سگالین درباره رابطه نسل‌ها در امور اجتماعی چنین اظهار می‌دارد: "در زمینه مباحث عمده اجتماعی اختلاف سلیقه دو نسل چندان چشمگیر نیست"، این در حالی است که نتایج تحقیق حاضر عکس این ایده را به اثبات می‌رسانند.

چنانچه از نتایج تحقیق برمی‌آید، اهمیت امور خانوادگی و بویژه بحث نگرش به زنان کاملاً تغییر یافته است و این در حالی است که روال امور و قوانین موجود همچنان در راستای قواعد گذشته هستند، در این زمینه پیش از وقوع هرگونه حادثه غیر قابل کنترل، تدوین قواعد جدید در امر همسرگزینی، توجه به تعریف و تدوین مدل‌های ارتباطی دختران و پسران و تصویب قوانینی در راستای تقویت وضعیت زنان در جامعه راهکارهای مناسب و مطلوبی خواهد بود.

مادیگرایی/فرامادیگرایی و شاخص دینداری نیز می‌توان به وضعیت فاصله نسلی اشاره نمود.

اگرچه، در مواردی مانند بعد مناسکی یا نگرش به زنان که شدت تفاوت بیشتر بود، نتوان با چنان دقتی از وضعیت فاصله نسلی سخن به میان آورد؛ چرا که شدت تفاوت در این مقوله‌ها بیش از سایرین است و به نظر می‌رسد که اصطلاح "شکاف نسلی" بهتر از هر مفهوم توان تبیین این وضعیت را داشته باشد. همانگونه که خاطر نشان شد، شکاف نسلی، موقعیت بسیار استثنایی و ویژه‌ای است. با وجود این که نوعی وضعیت خاص استقرار نسل‌ها است، ولی احتمالاً موقعیتی بحرانی هم به لحاظ تجربی و هم مسأله‌ای به لحاظ نظری است. در چنین وضعیتی، دو نسل از یکدیگر منفک و جدا می‌شوند، بین آنها شکافی اتفاق می‌افتد و پیوستگی در رابطه آنها بسیار کم می‌شود (ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۳).

- در مورد وضعیت دو نسل اگرچه می‌توان از تفاوت معنی دار میان نسل‌ها سخن گفت؛ اما بدون تردید شدت تفاوت به آن حد نیست که بتوان از گسست نسلی یا حتی شکاف نسل‌ها در حالت کلی سخن راند. به عبارتی، تفسیر دقیق تر یافته‌ها در مورد ارتباطات نسلی را می‌توان بهتر از هر واژه‌ای با اصطلاح "فاصله نسلی" بیان داشت. فاصله نسلی به تفاوت‌های تاحدی عمیق میان نسل‌ها در رابطه با مقولات مختلف اشاره دارد. فاصله نسلی، معمولاً به تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای نسل بزرگسال و نسل جوان اطلاق می‌شود؛ به بیان دیگر، فاصله نسلی، به اختلافات مهم بین دو نسل در تجارب، ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی به اختلاف و تفاوت فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. فرهنگ آکسفورد، فاصله نسلی را اینگونه تعریف می‌کند؛ «اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن» (پناهی، ۱۳۸۳: ۴). در مورد مؤلفه‌های نوگرایی،



شکل شماره ۲- وضعیت نهایی روابط دو نسل بر پیوستار نسلی

تعیین مکان نهایی علاوه بر توجه به وضعیت معنی داری تفاوت‌ها در رابطه با شاخص بایست به وضعیت میانگین‌ها نیز توجه نمود. همانگونه که در جداول T و مقایسه میانگین‌ها مشخص است، تفاوت دو نسل معنی دار است و

به هر روی و در مجموع برای تعیین وضعیت رابطه نسلی میان دو نسل در شهر کرمانشاه می‌توان پیوستاری فرضی ترسیم نمود که یک سر آن همپوشانی نسلی و سر دیگر آن گسست و انقطاع نسلی قرار داشته باشد. جهت

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۷.

۹- توکلی، مهناز. (۱۳۸۰). «بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران». (نسل انقلاب). و مادران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۰- چیت‌سازقی، محمد جواد. (۱۳۸۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت در کتاب گسست نسلی، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

۱۱- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.

۱۲- سراج‌زاده، حسین؛ توکلی، م. (۱۳۸۰). «بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱.

۱۳- سگالین، مارتین. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.

۱۴- داریاپور، زهرا. (۱۳۸۱). «بررسی جایگاه سنت و مدرنیته در نظام ارزشی جوانان و بزرگسالان شهر تهران»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان: گروه علوم اجتماعی.

۱۵- ربانی، رسول، صفایی‌نژاد، فتحیان. (۱۳۸۴).

«فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی: مطالعه موردی شهر دهدشت»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، ص ۲۱-۴۰.

۱۶- روشه، گی. (۱۳۷۶). سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران: نشر سمت.

۱۷- صفایی‌نژاد، فتحیان. (۱۳۸۲). «بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی-فرهنگی بر فاصله نسلی در شهر دهدشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

بر این اساس نمی‌توان از همپوشانی نسلی سخن به میان آورد. علاوه بر آن و با توجه به میانگین‌ها و تفاوت آنها، آنچه که مشهود است، اینکه تفاوت میان میانگین‌ها چنان شدید نیست که بتوان از انقطاع نسلی سخن به میان آورد. چنین به نظر می‌رسد که وضعیت با توجه به میانگین و با توجه به معناداری تفاوت در حد فاصل میان فاصله و شکاف نسلی قرار داشته باشد و اظهار نظر دقیق‌تر در مورد تعیین وضعیت نهایی نیازمند مطالعات بیشتر است.

منابع

- ۱- آرون، ریمون. (۱۳۷۷). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۰). «شکاف نسلی در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۴.
- ۳- آزاد ارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۴- ازکیا، مصطفی. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: نشر اطلاعات.
- ۵- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- ۶- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- ۷- برگر، پیتر. (۱۳۸۰). افول سکولاریزم: دین خیزش‌گر و سیاست جهانی، افشار امیری، تهران: پنگان.
- ۸- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، فصلنامه علوم اجتماعی

- ۱۸- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۳). نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
- ۱۹- عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.
- ۲۰- قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۱- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۰). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۲۲- لاور، رابرت. (۱۳۷۳). دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۲۳- معیدفر، سعید. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: انتشارات سرزمین ما.
- ۲۴- مهدیزاده، سید محمد. (۱۳۷۹). رهیافت انتقادی به فرهنگ و جامعه نو، رسانه، سال یازدهم، ش اول، بهار.
- ۲۵- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها- بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- 26- Diepstrutan, Isabelle and Ester, Peter et al (1993) Talking about my generation, ego and alter images of generations in the Netherlands, Journal of Social Sciences, 35, 2.
- 27- Manhaiem, k (1952) problems of generations, in Essay in the Sociology of Knowlegde, London: Routlegde and Kegan Paul, pp.276-322.
- 28- Mead, Webster, 1987: www. Webster-Online-Dectionary.or